

و ازه تمدن ریشه در شهرنشیین یا مدنیت دارد. آمادربیع است اگر در استفاده این واژه حصر در معنا را بپذیریم زیرا در این صورت دستاوردهایی میبینیم که کوچ نشیس و نیمه کوچ نشیس و حتی روستایی از قلم خواهد افتاد. این‌ها همه زاده شرایط چهارگانی و جز بارگان اصلی تمدن هستند. به هر صورت که مساله را بررسی کنیم تمدن در سرزمین‌های خشک و نیمه خشک حامل و شامل ا نوع میبینیست شهری و روستایی و کوچ نشیس و نیمه کوچ نشیس است و ایران بستر همه اینهاست. این تاکید به خاطر آن است که ساکنان سرزمین‌های پر آب و معتدل به لحاظ اقلیم و طبعاً مساعدند به کشت و کار، درگ سریع و صحیحی از محیط‌زیست سرزمین‌های خشک و نیمه خشک ندارند و غالباً آنها را انتدای و عقب مانده پنداشته و یا ملیس به لیاس کم توسعه یافته‌اند. یعنی این سرزمین‌ها را در طرف واحد چهارگانی خود نگاه نمی‌کنند و اصراراً در قیاس به خود ندارند و بجزه به فرض محال قول این اصطلاحات، معلوم نمی‌شود که مثلاً اینها به نسبت کی یا عقب مانده از کجا و از چه و کدام؟ و کم توسعه یافته از چه سمت و از چه سو...؟ و این‌ها همه سوهقیمه‌ها را در غیاب یک گفت و گتوی سالم افزون و افزون گرداند.

همزیستی یا اصطکاک تمدن‌ها

حرف بروخورد تمدن‌ها را پیش می‌کشند، مسلمان نماینده قدرت پشت سر خود هستند. یعنی که از موضع قدرت بودن و قدرت شناختن تمدن وابسته به خود این موضع را تأخذ می‌کنند. آنها منادی غریزه قدرتی سیاسی‌اند که دوام قدرت تمدنی خویش و قدرت سیاسی‌پشت سر را در به جان‌هم افتدان تمدن‌ها دیده‌اند و این امر سوابق تاریخی بسیار دارد.

هر بار که تعرض ارضی از سوی قدرتی سیاسی تدارک شده یا به عمل در آمد، بار سنگین مسؤولیت‌های ناشی از آن را بر دوش تضاد تمدن‌ها ادیان، مناذب و فرهنگ‌ها و آرمان‌های ملی نهاده‌اند. و این رسم قدرت‌های توسعه طلب سیاسی است. تمدن و قدرت سیاسی دو مقوله جدا از هم‌اند و نیز به

نیست، بلکه ریشه در بروخورد و اصطکاک قدرت‌های سیاسی پشت سر آنها دارد. قدرت‌هایی که خود را صاحب و حاکم و ارشاد‌کننده آن تمدن‌ها می‌دانند که گاه‌ادعایی است به حق ولی در بسیاری از موارد حقیقت جز این است.

این انقطاعات حکم درونی تمدن‌ها نیست بلکه حاصل اصطکاک قدرت‌ها و امری خارج از آنهاست. یعنی زاده تضاد و قدرت آنی و سیاسی است (قدرت سیاسی مقید به آن است). البته این قدرت‌ها در محدوده‌های چهارگانی و قراردادی اندولی گسترش آنها در سطح به بیانه‌هایی مثل نظریه فضای حیاتی یا کسب اصطکاک‌هاست.

آنها که امروز و به خصوص درین سه چهار ساله

ویژگی‌های تمدن‌ها

تمدن‌ها به سبب خصیصه سیال خود در تمام ادوار تاریخ به خودی خود با هم در گفت‌و‌گو و امتزاج و ازدواج بوده و هستند. ارکان و اجزاء تمدن‌ها پیوسته در هم یافته و تبیه هم‌دیگر شده و می‌شوند و به ویژه در مناطق مرزی که بهترین شرایط را برای روابط مقابل فراهم می‌کند. مگر آن که مسائل سیاسی مانع آن شود. با این همه، هرگز حدود و نور تمدن‌ها محو نشده است و از همین راست که اطلس تمدن‌ها ممکن شده‌اند، پس زمینه گفت و گتوی تمدن‌ها همیشه میسر بوده است. در عین حال تصدیق می‌شود که انقطع‌هایی بر سر راه گفت و گوها پدیدار شده‌اند. این انقطاعات ناشی از طبیعت و ذات تمدن‌ها

دو وجه خاص خود عمل می‌کنند.

تمدن‌های نرم و ظرفی به داد و ستد و نفوذ مقابله سطحی و عمقی و حتی به ازدواج‌های عمیق آرمانی، پیوسته اشتغال دارند. تمدن‌ها گرفتن و برگفتن از هم را مجاز هم می‌دانند و بی‌آن که از استحکام و اصالت خود تارو پودی بکاهند نشر و پخش می‌شوند و در طول زمان لایه بر لایه بر هم می‌نشینند. اگر فرهنگ‌ها را جزء اصلی تمدن قبول کرده باشیم و نشر بی‌لگام و با لگام آنها را بر سطح و عمق جماعات انسانی بنگریم به این نتیجه می‌رسیم که در هم تبیدگی و تأثیر و تاثیرها پیچیده‌تر از آن جهت است که ادعای بهتری یکی بر دیگری درست باشد.

مفهوم‌ها

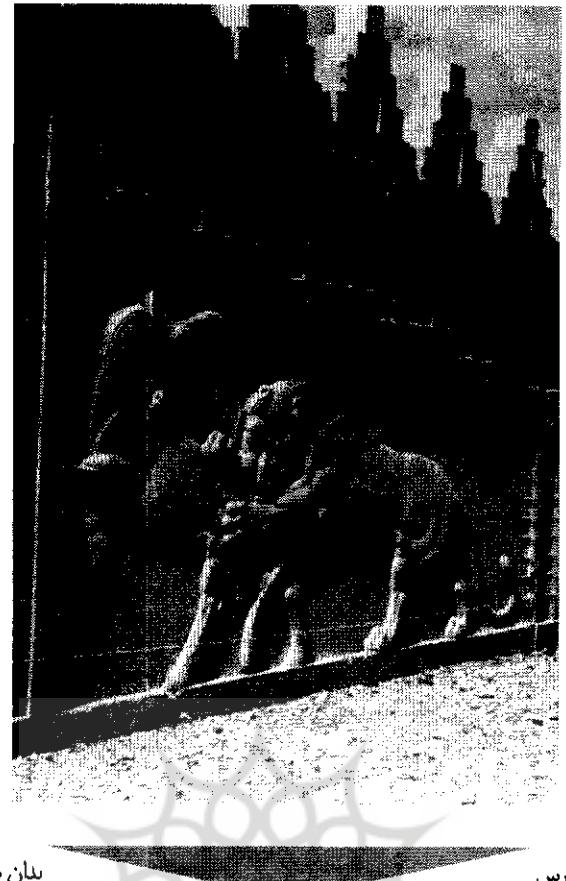
بین‌النهرین و مدیترانه‌شرقی حوزه‌های تمدنی چندگانه‌ای را آفریدند. در این مناطق نمونه‌ها و موارد بسیاری را می‌توان یافت. مثل ارزش‌ها برآمده از تمدن‌های باستانی یا ارزش‌های برآمده از شکوفایی‌های عهد پر رونق عباسیان.

اینک ممکن است دو کانون جاذب خلیج فارس و بحر خزر به بیانه "حفظ منافع حیاتی" (ترجیح بند قدرت‌ها) اصطکاک قدرت‌ها را مقدم و ضروری تر از گفت‌وگوی تمدن‌ها سازد و این عنی خطر است. پس قدرت هر چه باشد ما به این گفت‌وگو نیازمندیم و گفت‌وگوی تمدن‌ها به هر قیمت باید جای اصطکاک تمدن‌ها را بگیرد.

سوءتفاهمنامه‌ها آن وقت مبتلور می‌شوند که نویسنده‌گان و صاحب‌نظران که امروز عمیقاً نگران خاورمیانه‌اند، عصر یا میال شدن کلان فرهنگ‌ها و خرد فرهنگ‌ها و نیز تخریب تمدن‌ها را به دست استعمار فراموش کنند. روی سخن در این جایه عنوان Bernars Lewis مثال به کتاب برثاردلویس است که صمیمانه از خود در باب خاورمیانه و اسلام می‌پرسد: چه شد که چنین شد؟ (با عنوان کتاب اشتباہ نشود) و ذهن جوینده ایشان نتیجه می‌گیرد که کوتاهی از ناحیه مردم این سرزمین است پس انتخاب با آنهاست... برای چنین نتیجه‌ای کتابی چنان نگاشتن حیرت‌انگیز است: انگار که کتاب سفارش قدرتی است سیاسی.

همسایه‌ها

مز تمدن‌ها با همه دیرپایی‌ها، پیوسته در معرض اصطکاک قدرت‌های سیاسی پشت سر آنهاست.



سیراب کردیم و از غنای آنها نیز غنی شدیم ضرورت گفت‌وگو بیشتر محسوس است تا پا در میانی قدرت‌های سیاسی در عرض جغرافیایی مسکو و سن پطرزبورگ. آن هم که دیر زمانی است باکو و خزر را منهای نفت و گاز نمی‌شناسند و در مورد همسایگان شمال شرقی هم دیدم که زبان فارسی و گلگشت حافظ و سمرقدن و بخارا به جا ماندند و سرخوز و کلخوز قهقهی پا نگرفت.

خاورمیانه در شرایط کنونی سه تمدن بزرگ ایرانی، ترکی و عربی را که هر سه اسلامی هستند را در خود دارد، ولی مزین به خرده فرهنگ‌های مذهبی دیگر هم هستند. تلاش ترکیه امروز برای قرار گرفتن در جرگه منظمه اروپا حکمی جغرافیایی نیست بلکه ضرورتی سیاسی پنداشته شده است. معهذا وقایع روز نشان می‌دهد که این تصمیم در تعارض حتمی با حیات خاورمیانه‌ای ترکیه نیست بلکه به عکس شاید موجب بهتر شناخته شدن کشوری اسلامی و خاورمیانه‌ای شود. باب بحث باز است. نیرویی که ترکیه را

بدان سوی می‌کشاند وزنی از بار تمدن روم شرقی هم دارد. این گریز به جلو فرار از گذشته عثمانیان سخت کوش و بسیار متعصب است که قرن‌ها باب مراوه و راه ارتباطات را میان غرب و شرق و تمدن‌های وابسته به آنها بسته بودند. بر اینها نیاز مالی ترکیه را هم باید افزود. پس همزیستی با اروپا و خاورمیانه اسلامی در دستور کار ترکیه هست.

این سه تمدن ایرانی، ترکی و عربی که به هر حال تمدن اسلامی را پرورداند نیاز به گفت‌وگویین خود دارند. به جای توجیه خود در این حلقة یاد آن محقق جهانی بهتر است راهی به سازماندهی‌های منطقه‌ای و گردهمایی‌های فرهنگی خود پیدا کنند. زیرا هر گزند به کمترین جزء این سرزمین همه سرزمین خاورمیانه را در معرض گزندهای جبران‌ناپذیر قرار می‌دهد. جنبه ملل خاورمیانه تنها به سود این قدرت‌هاست.

هر یک از سرزمین‌ها خاورمیانه به صورتی استعمال‌زادی کرده‌اند و می‌کنند. ایران تندر از همه رفت، اینها صداقتی نیست. تحملات تحقیر‌افرین با میانی تمدن‌های این منطقه سازگار نیست. پس همزیستی بین تمدن‌ها ضرورتی برای همه کشورهای خاورمیانه‌ای است. تمامی ضعف خاورمیانه در جداسری‌های سیاسی ریشه دارد.

خطرهای

خطرهای جاسوسی که فریب خوریم یا فریب دهیم، این خطر را در گذشته‌ها تجربه کرده‌ایم که هر گاه ندایی به حق از حلقه کشوری کوچک با تمدنی قدیم بر آید قدرت‌های بزرگ رها از پشت‌وانه تاریخی، آن صدرا به راهروهای یوتسکو و سازمان ملل متحده می‌کنند و سپس نه آن سازمان را حرمت می‌نهند نه صاحبان آن صدایهای به حق را.

خطر دوم آن است که وقتی صدا از حلقه کشوری انقلاب کرده و انقلاب زده برآید فکر گفتگوی تمدن‌ها را با نمایش کبوتر صلح و خانه‌های صلح شوروی استالینی مرحوم برایبری می‌گیرند و این عکس العمل از سوی سیاسیون شرق ناشناس طبیعی است.

پادزده این کج فکری بر کشیدن ارزش‌های والای تمدنی و اخلاقی تمامی این سرزمین‌هاست. منهای نفت و منهای خود کم بینی‌ها.

اهرم گفتگوی تمدن‌ها به ضوابطی رسید که نیست بلکه بهتر است رسالت اخلاقی تازه‌ای را به دیده گرفت. نیاید از حقوق بشر ایزاری سیاسی ساخت. شاید بهتر باشد در آن قدری از روح و معتقدات دید و در ابعاد تمدنی که در سایه‌اش به گفتگو می‌نشینیم آن را بسط داد. حقوق بشر سابقه‌ای در

تمدن بین‌المللین و ایران هم دارد.

خطر سوم آن که نگاه دیگران که دم از اصطکاک تمدن می‌زنند به ما، نگاه نفت‌خر به نفت فروش و صحیح تر بگوییم نگاه نفت شناس به نفتگر است. آنها خاورمیانه را در نفت خلاصه کرده‌اند و خاورمیانه منهای آب کافی را نمی‌شناسند. به همین دلیل از نفتگری باید دور شد و به نفت‌شناسی رو کرد و مسلم‌را همه دانشگاه‌های جهان به مستحقان این علم باز است.

آنها زکم آبی و بی آبی ماحرجه "سرزمین خشک دور از تمدن" می‌سازند و نیز از رشد طفیانی جمعیت حریبه "عقبه‌ماندگی" در آوردگاند. در این حال است که اصطکاک تمدن سریوش قهریت می‌شود. پس باشیست به مدد گفتار برآمده از ارزش‌های والای تمدن سرزمین‌ها روی در رو به بحث نشست. می‌توان با توسل به گفتگوی تمدن‌ها به ضوابطی رسید که دیگری نیز از موضع ارزش‌های تمدنی خود به گفتگو در آید نه صرفاً از موضع پیشرفت که منشاء غروری تابجا است.

نتیجه

جای جغرافیایی خاورمیانه و ویژه خاص ایران میان دریای خزر و خلیج فارس به گونه‌ای است که

راهنمای اشتراک

یک سال، ماهنامه گزارش را دریافت گنید.

لطفاً نکات ذیل را در نظر داشته باشید:

۱- فرم اشتراک را کامل و خواناً تکمیل کرده و کدپستی را حتماً قید فرمایید و همراه با برگ واریز وجه به نشانی دفتر محله پست یا با نماینده ارسال نمایید.

۲- حق اشتراک را الف: به حساب جاری ۱۸۸۸/۱۰ بانک صادرات، شعبه گزارش، کد ۷۹۰ تهران (قابل واریز در همه شعب بانک صادرات به نام مجله گزارش واریز نمایید).

ب: به حساب جاری مهر شماره ۱۰۰۳۹۲۰۳۰۰۶ به نام ابوالقاسم کلیاف واریز نمایید و اصل فیش بانکی را همراه با برگ تکمیل شده اشتراک به نشانی تهران، صندوق پستی ۵۴۶۷-۱۴۱۵۵ ارسال فرمایید.

۳- کپی فیش بانکی را تا زمان دریافت نخستین شماره اشتراک نزد خود نگاه دارید.

۴- حق اشتراک خارج از کشور ۴۰ یورو و یا ۴۵ دلار می‌باشد.

۵- حق اشتراک یکساله برای مؤسسات دولتی ۶۰۰۰ تومان و برای بخش خصوصی ۵۰۰۰ تومان است و برای دانشجویان ۲۰۰۰ تومان است.

۶- حق اشتراک خارج از کشور ۴۰ دلار می‌باشد.

۷- در صورت هر گونه تغییر در نشانی، سریعاً دفتر ماهنامه گزارش را در جریان قرار دهید.

برگ اشتراک ماهنامه گزارش

نام:

--	--	--	--	--	--

نامخانوادگی:

--	--	--	--	--	--

نام شرکت یا مؤسسه:

--	--	--	--	--	--

شغل: سمت:

--	--	--	--	--	--

تحصیلات: سن:

--	--	--	--	--	--

نوع فعالیت: درخواست اشتراک از شماره:

--	--	--	--	--	--

و تعداد موردنیاز از هر شماره:

--	--	--	--	--	--

نسخه:

--	--	--	--	--	--

نشانی:

--	--	--	--	--	--

کدپستی: تلفن:

--	--	--	--	--	--

صندوق پستی:

--	--	--	--	--	--